[قطبی، محمد](http://www.noormags.com/view/fa/creator/192028)

**راهبردهای تربیت اخلاقی در تبلیغات دینی**

[اخلاق](http://www.noormags.com/view/fa/magazine/421) ، [بهار 1388 - شماره 15](http://www.noormags.com/view/fa/magazine/number/41274)

**چکیده**

دین اسلام برای رساندن انسان به درجات بالای اخلاقی و توسعه‌ی ارزش‌های والای آن در جامعه، از مبلّغین دینی و در قالب آموزش و یاددهی غیر رسمی بهره‌ی فراوانی می‌برد. اسلام در این روش راهبردهایی دارد که در صورت عمل به آنها از ناحیه‌ی مبلّغین، می‌توان انتظار داشت ارزش‌های اخلاقی به درستی در جامعه توسعه یابد و انسان، راه سعادت و تعالی را در پیش گیرد.

بر این اساس، در این مقاله سعی داریم پس از بررسی آموزش غیر رسمی و مقایسه‌ي کوتاه بین آن و آموزش رسمی، به بررسی راهبردهای اساسی قرآن کریم در تربیت اخلاقی انسان‌ها که می‌بایست توسط مبلّغین دینی دنبال گردد بپردازیم. این راهبردها عبارتند از:

 1. راهبرد تعظیم؛

2. راهبردتکریم؛

3. راهبردتبیین؛

 4. راهبرد تبشیر و  تحذیر، که در این‌جا با عناوین 1. اختبار[[1]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn1) 2. اعتبار 3. التزام و 4. اعتدال نام ‌برده شده  است.

**واژه‌های کلیدی**

 تربیت اخلاقی، راهبرد، آموزش غیر رسمی، تبلیغات دینی.

**مقدّمه**

انسان در طول زندگی و حیات خویش، بیش از آن‌که از سیستم‌ها و نظام‌های آموزشِ رسمی تأثیر ‌بپذیرد، از آموزش غیر رسمی بهره می‌گیرد. محیطِ پیرامونیِ انسان دارای مؤلّفه‌های فراوانی است که می‌تواند موجب شکل‌دهیِ هویّت دینی و تربیت اخلاقی انسان گردد؛ خانواده، گروه همسالان، رسانه، جامعه، نهاد‌های مدنی، حکومت و... از جمله فضاها و فرصت‌هایی است که آموزش غیر رسمی در آن شکل می‌گیرد و ارزش‌های اخلاقی ِمورد توافق خود را به انسان منتقل می‌سازد و این به مراتب از سیستم‌های رسمی، اثر‌بخش‌تر و ماندگار‌تر است. مبلّغ دینی به عنوان برترین عنصر نظام تبلیغات دینی، از نوع آموزش غیر رسمی تبعیّت می‌کند و در فرآیند تبلیغِ دین، تلاش می‌کند ارزش‌های اخلاقیِ اسلام را در جامعه، هنجارسازی کرده و توسعه بخشد.

 براین اساس، در این مقاله پس از اشاره به برخی تفاوت‌های آموزش رسمی و غیر رسمی، راهبردهای تربیت اخلاقی را در قالب آموزش غیر رسمی که روش مورد عمل در تبلیغات دینی می‌باشد بررسی خواهیم کرد.

**آموزش رسمی**

مراحل یاددهی‌ـ یادگیری در این سیستم، در نظامی از پیش تعیین شده و با اصول و روش‌هایی معیّن دنبال می‌شود؛ می‌توان مهم‌ترین مؤلّفه‌های آموزش رسمی را این گونه نام برد:

**یکسان‌سازی هدف:**

در نظام آموزش رسمیِ رایج، اهداف تعیین شده برای یادگیرندگان یکسان و در یک حدّ مشخص قرار دارد؛ بدین شکل که نظام آموزش رسمی تلاش می‌کند همه را به یک نقطه‌ی واحد برساند و پایین‌تر از آن را ناکامی در یادگیری می‌داند.

**یکسان‌سازی روش:**

در این نظام، روش‌های آموزشی به صورت یکسان به کار گرفته می‌شود. البتّه باید توجّه داشت که روش‌های آموزشی متعدّدند، ولی هر مرکزِ آموزشی به ناچار با یکی یا تعداد محدودی از این روش‌ها، فعّالیت آموزشی و مراحل یاددهی ـ یادگیری را دنبال می‌کند. از این‌رو، مخاطبین آن مرکز با یکسانیِ روش در تربیت روبه رویند؛ در چنین نظامی سعی می‌شود همه را با هم به پیش ببرند.

**یکسان‌سازی سرعت:**

در نظام آموزش رسمی، علاوه بر این که همه با هم و به سَمت یک هـــدف حرکت می‌کنند، سعی می‌شود سرعت حرکت همه نیز یکسان باشد و غالباً تقویم‌ آموزشی از پیش تعیین شده است و یادگیرنده ناچار است مراحل و فواصل زمانی پیش بینی شده در تقویم آموزشی را مطابق آن پشت سر بگذارد.

**یکسانی قالب و ابزار:**

نظام آموزش رسمی از قاعده‌ای تبعیّت می‌کند که ناچار است در انتخاب قالب و ابزارهای خود نیز یکسان عمل کند؛ چراکه نمی‌توان برای گروهی که با هم و با روشی واحد و در مدت زمان مساوی و هماهنگ به سوی هدفی واحد حرکت می‌کنند، قالب‌ها و ابزارهای متعدّدی به‌کار بست؛ به‌ویژه زمانی که عملیات یاددهی و یادگیری در شرایط (مکان و امکانات) مساوی صورت می‌گیرد.[[2]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn2)

**آموزش غیررسمی**

در آموزش غیر رسمی می‌توان تمام این چهار وَجهِ یکسان را به‌هم ریخت و در فضایی باز و آزاد و بدون تحمیل یکسانی در هدف، روش، قالب، ابزار، سرعت و.... مخاطب را در محیطی قرار داد که با توان درونی خود، به سَمت مطلوب حرکت نماید. می‌توان عنوان «آموزش و پرورش» را برای نظامی برگزید که به صورت رسمی، تلاش می‌کند به وسیله‌ي سیستم رسمی آموزش و یاددهی، تربیت اخلاقی انسان‌ها را دنبال نماید.

 در مقابلِ آن، نظام غیررسمی قرار دارد که تلاش می‌کند با اتّکا به توان و انگیزه‌ي مخاطبین، به پرورش نسل آتی بپردازد و او را تربیت نماید. ما در این‌مقاله، از این روش با عنوان «نظام تبلیغات دینی» یاد می‌کنیم.

**نظام تبلیغات دینی**

نظام تبلیغات دینی، نظامی است که می‌کوشد بدون محصور ساختن انسان در روش یا قالبِ از پیش تنظیم شده‌ای، مخاطب را توسط مبلّغین دینی با توجّه‌ دادن به گوهر وجودی خویش و بهره‌گیری از خِرَد و توان درونی، به سَمت تربیت اخلاقی و تعالی انسانی حرکت ‌دهد.

 این نظام از یک استراتژی باز و آزاد تبعیّت می‌کند و در آن، مبلّغ می‌بایست اقدامات تبلیغی خود را مبتنی بر یک سری خط مشی‌های مشخص و معیّنی بنا نهد. در اصطلاح، به این خط مشی و اهدافِ فراگیر و نهفته در لابه لای برنامه‌ها و فعّالیت‌ها «راهبرد» گفته می‌شود. راهبرد، در ظاهر مشهود نیست، لیکن می‌بایست در باطن، فعّالیت‌ها مبتنی بر آن و در راستای آن‌ باشد. مبلّغین و مربّیان تربیتی به منظور توسعه‌ی ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، این راهبردها را فرا روی خویش قرار داده و با توجّه به آن‌ها اقدام می‌نمایند. این راهبردها که از قرآن کریم استخراج گردیده است عبارتند از:

1.راهبرد تعظيم؛ 2. راهبرد تكريم؛ 3. راهبرد تبيين؛ 4. راهبرد تبشیر و تحذير.

**تعظيم**  (مرحله‌ی ايجاد معرفت و اختبار انسان از حقایق هستی)[[3]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn3)

برنامه‌ی تربیتی، نخست، بايد در بردارنده‌ی پيام تعظيم باشد؛ باور به عظمت خداوند بلند مرتبه، شريعت و شعاير اسلامي، نبوّت، قرآن و... . تا زماني كه فرد به عظمت خداوند بلند مرتبه و شريعت اسلامي باور نداشته باشد و اين امور برايش مقدّس جلوه نكند، هرگز به دستورات و ارزش‌های اخلاقیِ این شریعت تن نخواهد داد و اگرچه در ظاهر نیز به آنها عمل می‌كند، ولي در عمق جان او ریشه ندوانده و با رضايت‌خاطر نخواهد پذيرفت.

شهید مطهری (ره) این موضوع را تحت عنوان راز دعوت آورده و این چنین فرموده است:

«اوّلین دغدغه‌ی مسؤولیّت که پیامبران به وجود می‌آورند، دغدغه‌ی مسؤولیّت در برابر کلّ آفرینش و هستی است. دغدغه‌ی مسؤولیّت اجتماعی جزئی از دغدغه‌ی مسؤولیّت در برابر هستی و آفرینش است. (...) سوره‌های مکیّه که در سیزده سال اوّل بعثت رسول اکرم6 نازل شده است، کمتر مطلبی جز تذکّر مبدأ و معاد در آنها هست.»[[4]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn4)

عظمت حضرت حق و دین و شریعت او را می‌توان از راه‌های مختلفی به انسان منتقل ساخت. بعضي از اين شيوه‌ها و راه‌ها عبارتند از:

**الف – توجّه به عظمت هستی:**

ـ تذكّر و توجّه به نظام آفرينش: )**أَوَلَم ينظُرُوا فِی مَلَکُوتِ السَّماواتِ وَالأَرضِ**(.[[5]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn5)

ـ تبیین ربوبيّت حضرت رب العالمين: )**رَبُّ السَّماواتِ وَالأَرضِ وَ ما بَينَهُما**(.[[6]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn6)

ـ توجّه به عالم آفاق و أنفس: )**سَنُريِهم آياتِنا فِی الآفاقِ وَ فِی أَنفُسِهِم**(**.**[[7]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn7)

**ب –  توجّه به بزرگواری خالق هستی:**

ـ تبیین مهرباني و بزرگي خداوند متعال: )**سَلامٌ قَولاً مِن رَّبٍّ رََّحِيمٍ**.([[8]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn8)

ـ تذکّر و توجّهِ انسان به نعمت‌هاي خالق هستي: )**وَإِن تَعُدُّوا نِعمَةَ اللهِ لا تُحصُوها** .([[9]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn9)

ـ و...

که در قرآن کریم در مواضع مختلفی از این شیوه‌ها استفاده شده است.

همان‌گونه كه اشاره شد، توجّه به عظمت وحقيقت پنهانِ هستي، انسان را براي دريافت شناخت نسبت به حقیقت و واقع، آماده‌تر خواهد ساخت. انسان پیش از آن كه به واسطه‌ی استدلال‌هاي فلسفي وكلامي، خدا را درك كند، مي‌تواند از درون خویش، وجود اين حقيقت بي‌انتها را دریابد، و از اين‌رو، بيشتر استدلال‌هاي قرآن كريم و اهل‌بيت ‌:معطوف به تذکّرها و استدلال‌هاي فکری و حِسّي است. در برنامه‌هاي تربیتي مي‌توان زواياي پنهان اين حقيقت را كه در اطراف زندگي بشر و در جاي جاي هستي، وجود دارد به انسان‌‌ها نماياند و ایشان را از راز و رمز هستي باخبر ساخت. این توجّه و تذکّر نسبت به هستی در عمیق‌ترین حالت خود، انسان را متوجّه استدلال‌های عقلی و منطقی درباره‌ي اثبات وجود و حقّانیّت خداوند متعال خواهد ساخت.

تفكّر و تدبّر در آفاق (طبيعت) و أنفس (وجود انسان) در شكل‌گيري بينش توحيدي بسيار مؤثّر است و فراوان مورد تأكيد قرآن قرار گرفته و به آن دعوت شده است. این نوع تفکّر و تدبّر نوعي راه كسب شناخت و معرفت است كه درآن بدون دخالت دیگری، «دريافت»، صورت مي‌پذيرد و رمز آن نيز در اين است كه با تفكّر وتدبّر در آفاق و انفس، انسان دچار حيرت و سردرگمي در مقابل عظمت هستي و خالق آن مي‌شود و چون فطرت انسان خداجوي است،[[10]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn10) هرگاه مَدار تفكّر او در خلقت بسته شود، گو اين كه پنچره‌اي به سَمت روشنايي گشوده شده، حسّ مطلق‌گرايي انسان را تحريك كرده، او را به سوي حقيقتي حقيقي مي­كشاند و با خود مي‌برد.

پیچیده كردن مباحث در حوزه‌ی شناختِ خداوند، هيچ كاري از پيش نخواهد برد و بايستي ساده و روان و با اشاره به زواياي دقيق و پنهان هستي، انسان را نسبت به عظمت خالق يكتا و حكمت و عدالت او و رأفت و رحمتش آگاه ساخت. وقتي ظرافت‌هاي موجودات ريزي همچون اتم و سلول و مولکول بيان مي‌شود و هرگاه در تشريح بدنِ موجودات، به ویژه انسان، دقّت و نظم و حکمت موجود در آفرينشِ آنها مورد توجّه قرار می‌گیرد و آن‌گاه كه با مطالعه‌ی گونه‌هاي حيواني، وُسعت جغرافياي عالم، شناخت كهكشان‌ها و ...، هزاران نكته‌ی دقيق و ظريف در پیش روی انسان قرار می‌گیرد، توجّه به عظمت خالق حكيمِ يكتايِ رحيم نیز با آن همراه می‌گردد و مي‌توان انتظار داشت كه انسان، بدون اين كه حفظ كردن برخي اطلاعات را تحمّل كند و سعي خود را صرف گرفتن نمره و امتیاز نمايد، به باور و معرفت ديني دست یافته و در وجود خویش خضوع و خشوع در مقابل عظمت خداوند را احساس نماید.

مطالعه‌ی هستی، حتی با ساده‌ترین نگاه‌ها، نیز می‌تواند بینش انسان را به سَمت وجود خالق و یکتایی او پیش ببرد، هستی، متن همیشه در پیش روی انسان و کتاب گشوده‌ی خداشناسی است. این متن، دالّ بر وجود خدا، یکتایی او، حکمت و قدرت او، صفات او و ... است. به هر حال، هستی مخلوق زیبای خداست و جای جای آن، زیبایی خالق خویش را اعتراف می‌کند و به آن شهادت می‌دهد. پیدایش عرفان‌هایی که در قالب مثنوی و ... از سوی عرفای اسلامی صادر شده و به توصیف هستی و زیبایی‌های آن پرداخته‌اند و با این توصیف با خدا عشق بازی کرده‌اند از همین زاویه‌ای که هستی را دالّ بر حقایق پنهان دانسته‌اند، نشأت گرفته است.

اگر ثمره‌ی هويّت دینی را اطاعت و بندگي در پيشگاه حضرت حق و عمل به ارزش‌های اخلاقی بدانيم، بايد بپذيريم كه راه رسيدن به آن، محفوظات و يادگيري براي نمره و معدّل نيست، بلكه بهترین راه رسيدن به آن، ارایه‌ی دركی صحيح از عالم هستي و خالق حكيم و خبير آن است. انسان تا هنگامی که به دقّت و ظرافت، عظمت و بزرگي، سادگي و پيچيدگي، جلال و جبروت، شوكت و صولت، نظم و هماهنگي، لطافت و نرمي، كامل و جامع بودن، سازگاري با نياز‌هاي انسان، تبديل‌پذيري و هزاران ويژگي ديگرِ عالم هستي پي نبرد، هرگز به خالق حكيم، عليم، رحيم، ودود، عظيم، اعلي، عادل، مالك و ربِّ هستي پي نخواهد برد و در وجودش او را نخواهد يافت. همچنین توجّه دادن انسان به نعمت‌هاي بي‌كراني كه در اختيار او قرار گرفته است به جهت عظمت دروني هر نعمت، عظمت خالق را در ذهن و روان انسان مجسّم خواهد ساخت.

 قرآن كريم براي دست‌يابي به بصيرت و نگاه صحيح، انسان را به سِير در عالم آفاق و انفس دعوت مي‌كند. نعمت‌ها، همگي آيات و نشانه‌هاي خداوند عالمند و توجّه به آن، روحیه‌ی تعظیم و کُرنش در مقابل خالق هستي را به انسان عطا مي‌كند. يكي از روش‌هاي قرآن كريم براي ايجاد معرفت در انسان، برشماري نعمت‌ها و توجّه به عظمت آن‌هاست. هرگاه انسان از مسير حق منحرف شود، توجّه دادن او به نعمت‌هايي كه در اختيارش قرار گرفته و تضمین کننده‌ی حيات و زندگی او است، روحي تازه به او مي‌بخشد و ايمانش را باز مي‌آفريند.[[11]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn11) وجود مخلوقات، ارتباط تنگاتنگ و يكدستي در نظام هستي، تأمين شدن همه‌ی نيازهاي انسان در نظام هستي، حكيمانه بودن اين نظام، رابطه‌ی علّت و معلولي و يكپارچگي آن، عظمت و شگفتي عناصر پديد آورنده‌ی آن و ... همه و همه، از دلایل عظمت خداوند و عامل ایجاد روح توحيدي در انسان است.

  قرآن کریم، گاه با تشريح عظمت عالم[[12]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn12)، گاه با توجّه دادن انسان به عظمت شگفت انگيز خودش،[[13]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn13) گاه با پرسش[[14]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn14) و گاه با بازخواست[[15]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn15) از اين كه چرا به آفریده‌های شگرف الهی نمي‌نگري و... ، شگفتي نظام آفرينش را به انسان مي‌نماياند. قرآن، به صراحت انسان را به تفكّر در عوالم هستي، اعم از آفاقی و انفسی، دعوت مي‌كند و با تاكيد فراوان او را به اين سَمت تشويق مي‌نمايد.

در حقيقت، مي‌توان گفت پيشرفت صنايع و تكنولوژي، قبل از اين كه اختراع محسوب شود، اكتشاف است؛ كشف عظمت هستي و قدرت پديد آورنده‌ی آن؛ چرا كه هستی به خودی خود واجد این همه قابلیّت نبوده و خداوند اين قابليّت‌ها و ويژگي‌ها را در آن به وجود آورده است. اگر خداوند، الكتريسيته را در طبيعت قرار نمي‌داد، نه تنها اديسون، كه صدها دانشمند ديگر هم توان آفرینش آن را نداشتند، ولي اكنون که آفریده شده و هست، آن را كشف كرده‌اند.

توجّه دادن انسان به حقيقت پيدا، و نه پنهان هستي، از مهم‌ترين راهبرد‌های تربيتي و اخلاقی است و هرگز نبايد مورد بي‌مهري و بي‌توجّهي قرار گيرد. از اين‌رو، برنامه‌هاي تربیتي و اخلاقی باید با دقّت به دنبال ايجاد روح تعظيم در مخاطبين باشند و به گونه‌اي تدوین و ارایه گردند كه باعث شوند انسان، از پنجره‌ي عظمت، به هستي و خالق آن بنگرد.

هرگاه بتوانيم با بهره‌گيري از روش‌ها و قالب‌هاي مختلف، «عظمت» خداوند را به انسان بنمايانيم - نه اين كه فقط بياموزيم - آن گاه قدم اوّل را در هويت بخشي به او برداشته‌ايم. همه‌ي هستي، از خاك تا خورشيد، از آب تا آسمان، از باد تا باران، از درخت تا دريا، از شير تا شتر، از كوه تا كهكشان، از نان تا نمك، از چشم تا چشمه، همه و همه، پيام آور عظمت هستي و خالق اويند.

هستی دارای لایه‌های مختلفی است که توجّه به آن‌ها انسان را به سوی یکتانگریِ خالق خویش می‌کشاند. برخی از این لایه‌ها عبارتند از:

**1. ظاهر هستی:** این ضاهر تشکیل یافته از عناصری مثل رنگ، حجم، بُعد، حالت، شکل و...است و انسان از منظر زیبایی‌شناسی به آن می‌نگرد.

**2. توازن هستی:** توازنی که با دقّت بیشتر نسبت به عناصر ظاهر هستی، می‌توان به آن آگاهی پیدا کرد. این توازن در دو سطح «ارتباط اجزا با یکدیگر» و «پیوند وجودی آنها با یکدیگر» قابل دسته‌بندی است که از منظر علّت و معلولی به آن نگریسته می‌شود. در سطح اوّل، انسان به اصل ارتباط میان اجزاء هستی پی می‌برد، و در سطح دوم، رابطه‌ي علّت و معلولی آن را درک خواهد نمود.

**‌3.‌ مرکزیت ارتباط:** با دقّت و توجّه بیشتر نسبت به رابطه‌ي بین عناصر هستی می‌توان به مرکزیّت این پیوستگی‌ها و همبستگی‌ها دست یافت؛ به گونه‌ای که انسان در این مرحله در می‌یابد كه نظام آفرینش با همه‌ی پیچیدگی و گستردگی‌هایش، دارای یک مرکزیّت واحد است و چنانچه دو کانون آفرینش در عالم، وجود داشت دست کم برخی از این رابطه‌ها در عالم گم می‌شد و یا به تخریب و فساد کشیده می‌شد.[[16]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn16) در این مرحله انسان به علة‌العلل و خالق یکتای عالم توجّه خواهد کرد و مفهوم توحید را در خلقت خواهد فهمید.

**4.‌ کمال هستی:** گام بالاتر در ادامه‌ي این توجّه و دقّت این است که انسان درخواهد یافت كه هستی معلول یک علّت واحد، یعنی همان خالق متعال است و برای انسان و حیات او هیچ کاستی وجود نداشته و گستره‌ی خلقت تأمین کننده‌ی همه‌ی احتیاجات اوست. هستی، کامل و خالق آن کامل‌ترین‌هاست، نه از قدرت کاستی دارد و نه در حکمت، هرچیز به قدر خود و در جای خود آفریده شده است.

این مرحله می‌تواند انسان کاوشگر را به سَمت توجّه به توحید افعالی پیش برده و بسیاری از مراتب توحید افعالی را برای انسان آشکار سازد. و به همین شکل می‌توان در ادامه، انسان را متوجّه توحید در صفات و ذات خداوند نمود.

**تكريم** (مرحله‌ی احترام به انسان و اعتبار بخشی به او )

انسان پس از توجّه به هستی و عظمت خلقت و خالق آن، می‌بایست نسبت به شأنیّت و جایگاه خود در هستی آگاه شود. باید بداند که برترین خلایق و اشرف مخلوقات است و همه‌ی هستی برای او و به خاطر او آفریده شده است. باید توجّه داشته باشد که در کانون هستی قرار گرفته و تمام عالم و مخلوقات، پیرامون او حلقه زده‌اند. انسان باید به دقّت دریابد که خداوند او را خلیفه‌ و جانشین خود در روی زمین قرار داده و او را به برترین جایگاه در عالم هستی فرا خوانده است. بهترین خلایق را به سجده بر او واداشته و ملايک را از اعتراض بر آفرینش او نکوهش کرده است. این انسانِ خوش سعادت باید دریابد که تمام نظام آفرینش، با آن همه عظمتش، در صورتی ارزش دارد که در میان آن، انسان قرار گیرد.  باید باور کند که بهترین نعمت‌های الهی، یعنی عقل و ادب، ایمان و اخلاق، فکر و ذهن و... تنها به او داده شده است و به خاطر همین برجستگی‌ها است که وی را در مقام کرامت و بزرگواری نشانده‌اند. او را از زمین و زمان روزی داده، برایش بهشت و فردوس برین آفریده و او را مؤثّر بر سرنوشت خویش و عالم وجود قرار داده‌است.

نظام آفرینش با همه‌ي پیچیدگی‌ها و عظمتش به وجود انسان افتخار می‌کند، زیرا در میان خلایق، تنها، او است که به مقام والای عبودیّت و بندگی رسیده و مسیر کمال و سعادت پیش رویش گشوده شده است.

انسانی که خود را در چنین جایگاه با عظمتی ببیند و درک کند که والاترین مخلوق خداوند است، به کرامت و شأنیت خویش افتخار کرده، شأن اخلاقی خود را حفظ نموده و هرگز تن به لِئامت و پَستی نمی‌دهد و بر خود کریه و ناپسند می‌داند که با چهارپایان و حیوانات هم‌سنخ و هم‌نشین شود، که در این صورت از آنان پست‌تر خواهد بود.

شهید مطهری (ره) پس از اشاره به اوّلین دغدغه‌ي پیامبران الهی، یعنی مسؤولیّت انسان در برابر هستی و آفرینش، این‌گونه بیان می‌کند:

«در تعلیمات اسلامی آگاهی‌های انسانی دیده می‌شود؛ یعنی توجّه دادن انسان به کرامت ذات و شرافت ذات خودش، توجّه دادن به عزّت و بزرگواری ذاتی خودش. انسان در این مکتب، نه آن حیوانی است که دلیل وجودش این است که در طول صدها میلیون سال که در آغاز همدوش و همپایه‌ی سایر جانوران بوده، در صحنه‌ی تنازع بقا، آنقدر خیانت کرده تا امروز به این پایه رسیده، بلکه موجودی است که در آن پرتوی از روح الهی است، فرشتگان به او سجده برده‌اند، او را از کنگره‌ی عرش صفیر می‌زنند، در پیکر این موجود، علی‌رغم تمایلات حیوانی به شهوت و شرّ و فساد، جوهر پاکی است که بالذّات با بدی، خونریزی، دروغ، فساد، زبونی، پستی، حقارت و تحمّل زور و ظلم ناسازگار است؛ مظهر عزّت کبریايی است».[[17]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn17)

آنچه در این مقام مورد ستایش است، انسانیّت و کرامت انسان است که از سوی حضرت حق به امانت در اختیار انسان قرار گرفته است. از این رو، عبور از صورت و درک سیرت، پشت سر گذاشتن کالبد و توجّه به سرشت انسان، و در یک کلام، جسم را فدای جان کردن و تعالی بخشیدن به جان و انسانیّت، همه و همه، از مراحل رسیدن به کرامت است.

بر این اساس، مراحل دست‌یابی به مقام کرامت بدین صورت ترسیم می‌شود که در ابتدا انسان، نوع بشر را دارای شأنیّت انسانی دانسته و انسانیّت را ستایش نماید؛ سپس، به ایشان علاقه‌مند بوده و دوستی به دیگران را سرلوحه‌ي عمل خویش قرار دهد؛ در پی آن، خدمت کردن به دیگران را راه کسبِ کرامت دانسته؛ و نهایتاً، آن قدر برای انسانیّتِ محبوب و مخدوم خویش ارج و ارزش قایل باشد که بتواند از خود عبور کرده و فدای او گردد. این مقام در اسلام «استشهاد» نام دارد؛ یعنی جایگاهی که فرد در آن فراتر از هستی، ناظر بر هستی خواهد بود و مقام رضا را به دست خواهد آورد.

بنابراین مُبلّغ باید بکوشد تا انسان را نسبت به شأن و جایگاه والا و واقعی خویش آگاه سازد و از بند غفلتی که انسان‌ها در آن گرفتار شده و مادی و مادی‌گرایی را مهم‌ترین وجهه‌ی همّت خویش قرارداده‌اند، برهاند. باید انسان را از کرامت خویش آگاه ساخت و به او حسّ فداکاری و خدمت‌رسانی بخشید، باید انسان را از شأنیتی که او را از همه چیز و همه کس بالاتر و والاتر می‌داند آگاه ساخت.

 آنچه امروزه بشر را به سمت لِئامت و پستی کشانده، دوری از چنین مقامی است که همه از سر نادانی و ناآگاهی و بی توجّهی است. آن کس که مقام انسان را نشناخته، او را حیوانی پیشرفته می‌پندارد و آن کس که این کرامات را درک نکرده، با معادلات مادی و دنیایی با او برخورد می‌کند. از باب نمونه به یک حدیث اشاره می‌کنیم که توجّه به کرامت را موجب دوری از پستی و شهوت‌پرستی می‌شمارد؛ قال علی 7: «من کرمت نفسه علیه هانت علیه شهوته».[[18]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn18)

**تبيين** (مرحله‌ی آگاهي از مسؤوليّت و التزام بخشی به انسان)

پس از این که انسان نگاه خویش را نسبت به هستی اصلاح نمود و جایگاه و شأن واقعی خود را دریافت، می‌توان انتظار داشت که چنین انسانی به فراگیری و تمسّک به ارزش‌های اخلاقی پایبند بوده و نسبت به آن‌ها در خود التزام به وجود بیاورد.

به هر میزان که انسان از مسؤولیّت خود آگاه‌تر باشد، نسبت  به آن التزام بیشتری خواهد داشت، به گونه‌ای که بر خود لازم می‌داند نسبت به آن اقدام نماید. بدیهی است آگاهی وقتی می‌تواند التزام آور و تعهّد بخش باشد که بعد از رسیدن انسان به سرحدّ تعظیم در برابر آفریدگارش و تکریم در برابر خویش، برایش حاصل شده باشد. بر این اساس، در گام سوم نوبت به راهبرد تبیین معارف و ارزش‌های اخلاقی می‌رسد.

انسان هر چه از قوانین و اصول حاکم بر خویش آگاه‌تر باشد، نسبت به آن ملتزم‌ترخواهد بود. همان گونه که راننده‌ی اتومبیل هرچه قوانین راهنمایی و رانندگی را دقیق‌تر بداند، التفات و التزام بیشتری برای عمل به آنها خواهد داشت. انسان حق دارد از حقایق هستی آگاه باشد و وظیفه و تکلیف خود را بداند تا بدان پایند باشد.

قرآن، علاوه بر بخشیدن روح تعظیم و تکریم به انسان، در جای جای خود به تبیین معارف دینی و تکالیف بشر پرداخته و حقایق هستی و اصول و قوانین حاکم برانسان‌ها را به وی یادآور ساخته است. آنچه در دین بیان می‌شود، چه از نوع تأکید و چه از نوع تأسیس، همه، در راستای آگاه‌سازی انسان است و لذا مبلّغین گرامی می‌بایست پس از شکافتن ذهن مخاطب و قرار دادن دو روح تعظیم و تکریم در وجود انسان، ایشان را از مسؤولیّت خویش آگاه سازند.

معارف دينی و ارزش‌های اخلاقی بايد به صورت كاملاً شفاف و روان براي انسان بيان گردد. دقّت و حسّاسیّت داشتن در تبيين معارف و توجّه به روش‌ها و قالب‌هاي نوين و متنوّع و عنايت به روحيات لطيف جوانان و نوجوانان موجب مي‌گردد، انسان به درستي با معارف و ارزش‌های ديني آشنا گردد. زاويه‌ی ديد در بيان مفاهیم دینی و معارف اسلامي نقش بسزايي دارد. اگر بتوانيم این معارف و ارزش‌ها را با همان زيبايي و شيريني كه دارد بيان نمایيم، مسلّماً راه عمل به آن را هموار كرده‌ايم؛ همان‌گونه كه حضرت امام رضا 7فرمودند:

«اگر مردم شيريني كلام ما را مي‌دانستند، به يقيق، از ما پيروي مي‌كردند.»[[19]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn19)

شفافیت، روشنی، سادگی، زيبایی، لحن آرام، بیان دوستانه، رعایت وقار، دقّت، حوصله و... ازجمله شرايط تبيين معارف اسلامی و ارزش‌های اخلاقی براي مخاطبين است. تبيين‌گري باید ساده و روان باشد.كشاندن مباحث ديني به سَمت محفوظات كافي نيست و فضا، متون، روش‌ها و قالب‌ها بايد به گونه‌اي تنظيم و تدوين گردد كه به همراه انتقال دانش ديني به انسان، حِسّ ديني و بينش‌ديني را نیز در وی به وجود آورد؛ تا پیش از آن که بخواهد با استدلالِ منطقي و علمي، با حقایق آشنا گردد، با حِسّ و معرفت، آن را بيابد و با نداي فطرت خود، برای بندگي، لبيك گويد.

 هويّت، نه تنها آموختني، بلكه باور كردني و عمل كردني است.  هرگاه در برنامه‌ی تربیتي، خداشناسي را در راستاي خداباوري قرار دهيم، به خداپرستي خواهد انجاميد، ولي اگر خداشناسي را صرفاً براي انباشتن انبوهي از اطلاعات و دانش در ذهن انسان  برشماریم و به ميزان پاسخ‌گوييِ او به پرسش‌هايي كه از اطلاعات او جويا مي‌شويم، به او امتياز و نمره بدهيم و دينداري او را تنها در فراگيري بدانيم، هرگز نخواهيم توانست هويّت مثبت و اثربخش را برايش رقم بزنيم. از اين‌رو، بايستي با بازآفريني روش‌ها و مدل‌هاي آموزشي، اهداف راهبردي قرآن كريم و سيره‌ی پيامبر گرامي  اسلام را مورد عنايت قرار داده و سَمت وسوي برنامه‌هاي تربیتي و فرهنگی را در جهت ایجاد نگاهی صحیح در ذهن  انسان، نسبت به عالم هستی قرار دهيم.  در آن صورت، هويّت علمي و عملی درگروه‌هاي هدف شكل خواهد گرفت و هويّت دينيِ جامعه و ارزش‌های اخلاقی بازآفريده خواهد شد.

**تبشیر و تحذیر** (مرحله‌ی ايجاد اميد و خوف در انسان و ایجاد اعتدال در وِی)[[20]](file:///C:\\Users\\5349\\Desktop\\%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA\\%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82\\Akhlagh_15_2123_26926.htm" \l "_ftn20)

تشويق و ترغيب ِمخاطب، براي عمل به آموزه‌های ديني و رعایت ارزش‌های اخلاقی، از جمله راهبردهاي اساسی در تربیت انسان‌هاست. تمجيد مخاطب و زيبا جلوه دادن خوبي‌ها، بيان نتايج و وعده‌هاي حضرت حق و اشاره به ثمرات دنيوي و اُخروي و فردوس برین، از جمله راه‌هاي تشويق و تبشیر است. همچنين «امر به معروف» كه از اصول مهم تعبّد‌مداري است، راهبرد تشويق محسوب می‌شود و از واجباتي است  كه فراوان مورد تأكيد قرآن و سنّت قرار گرفته است.

در مقابل نیز باید انسان از بدی‌ها ترسان و بیمناک باشد، اشاره به پيامدهاي ناگوارِ زشتي‌ها و آلودگي‌هايي كه در پسِ بدي‌ها و بداخلاقی‌ها وجود دارد، مي‌تواند مانع بزرگي بر سر راه گمراهي باشد؛ آسيب‌هايي كه در دنيا دامان انسان را می‌گیرد و زندگي انسان را خاكستر مي‌كند و همچنين عواقبي كه در آخرت مايه‌ی سرافكندگي و عذاب انسان خواهد شد. اصل «نهی از منکر» و ایجاد خوف نسبت به پیامدهای ناگوار زشتی‌ها در «نظام نظارت عمومی و کنترل اجتماعی» نقشی اساسی ایفا می‌کند.

حاصل رعايت اين راهبردهاي پنج‌گانه، ايجاد روحيه‌ی «خضوع» در مقابل عظمت و بزرگي خداوند و «سپاس» در مقابل نعمت‌هايش و «احترام» نسبت به خلق خدا و «آشنایی» نسبت به اوامر الهی و تکلیف بشر، همراه با «علاقه» نسبت به رعایت ارزش‌های اخلاقی و «ترس» از ترک آن در انسان خواهد بود.

**پیوستگی راهبردها**

اهداف راهبردي مذكور به هم پيوسته است و يك نظام واحد را تشكيل مي‌دهد. مي‌توان پذيرفت كه تا انسان مرحله‌ی تعظيم را طیّ نكند و مرحله‌ی تكريم در او شكل نگيرد، مرحله‌ی سوم، يعني تبيين، برايش حجّيت ندارد و فراگيري معارف و ارزش‌ها را صِرفاً نوعي اطلاعات محسوب مي‌كند، نه باور ديني كه بايد بدان عمل كرد. همچنين مرحله‌ی پاياني، يعني تبشیر و تحذير، همراه و همگام با هم، مي‌توانند موجب تعادل در رفتار آدمي گردد.

زماني معارف ديني و ارزش‌های اخلاقی در جامعه به مرحله‌ی پذيرش و باور تبديل مي‌‌شود كه دو راهبرد اوّليه، یعنی «تعظيم» و«تكريم»، در انسان شكل گرفته و دین و معارف الهی، به درستی برای انسان «تبیین» شده باشد، آن گاه با «تشويق»، انسان به سَمت عمل حركت خواهد كرد و با «تحذیر»، از عواقب ترک‌ آن پرهیز خواهد نمود.

**نتیجه**

سرحلقه‌ی حرکت آدمی سرسپردن به عقل است؛ عقلی که به عظمت هستی و خالق آن پی‌برده و انسان را دارای شأنی والا و با کرامت داند؛ عقلی که تلاش می‌کند حقیقت را شناخته و به دنبال آن حرکت کند و در این طیّ مسیر، به ترغیت‌ها و هشدارها توجّه کرده و هدف را گم نمی‌کند. از این رو، مراحل تحقّق ارزش‌های اخلاقی در جامعه این گونه است:

**1. اختبار**

زمانی یک مبلّغ در زمینه‌ی توسعه‌ی ارزش‌های اخلاقی در جامعه موفّق است که در فرآیند تبلیغ دین، ابتدا با اختبار وآگاهیِ انسان نسبت به عظمت هستی، در وجود او تعظیم و کرنش به وجود بیاورد.

**2. اعتبار**

مبلّغ باید در ادامه‌ی فعّالیت خود انسان را به سرحدّ کرامت و تکریم شخصیّت خویش پیش ببرد. تنها در چنین صورتی است که انسان حاضر می‌شود تن به ارزش‌های اخلاقی داده و نسبت به آن‌ها اقدام نماید.

**3. التزام**

پس از ایجاد روح تعظیم در انسان و نگاه کریمانه در او، می‌توان با بیان و حقایق و ارزش‌های مورد انتظارِ خداوندِ متعال، در او التزام ایجاد کرد و وی را نسبت به عمل به آن ارزش‌ها پایبند ساخت. بدیهی است پایبندی زمانی اتفاق می‌افتد که انسان، هم در برابر عظمت خداوند حاضر به کُرنش و تواضع باشد و هم کرامت خویش را بالا بداند، در حالی که اگر هر کدام از این دو عنصر مفقود باشد روح تعبّد و پایبندی در انسان شکل نخواهد گرفت؛ در صورت نبودن عنصر اوّل، یعنی «تعظیم در برابر خداوند»، انسان حاضر به فروتنی در برابر خالق هستی و پذیرش دستورات او نخواهد بود، و در صورت نبودن عنصر دوم، یعنی «توجّه به شأنیّت و کرامت»، در وجود انسان احساس منزلت و با ارزش بودن برای عمل به تکالیف دینی به وجود نخواهد آمد.

**4. اعتدال**

آدمی پس از آگاهی از حقایق و پذیرش آن، اقدام به انجام می‌نماید، ولی به طور مدام نیازمند تعدیل در محرّک‌های باز دارنده و پیش برنده و ایجاد تعادل در خود می‌باشد. از این رو، مبلّغ می‌بایست با توجّه به راهبرد قرآنی«اعتدال» وبا بهره گرفتن از روش تبشیر و تحذیر، انسان را در مسیر تعادل قرارد داده و از انحراف او پیش‌گیری نماید.

بر این اساس، می‌توان گفت نظام تبلیغات دینی در قالب آموزش غیر رسمی، با توجّه به این‌که دارای قابلیّت‌ها و ظرفیّت‌های بالایی است و دچار محدودیت‌های روشی، قالبی و ابزاری نیست، در صورتی که مبتنی بر راهبردهای چهار‌گانه‌ي قرآن کریم باشد، می‌تواند با بهره‌گیری از راه‌کارها و الگوهای صحیح دینی و از طریق عرصه‌ها و محیط‌های تربیتی، از جمله خانواده، گروه همسالان، رسانه، جامعه، نهاد‌های مدنی، حکومت و... فضایی معنوی و سالم در جامعه به وجود بیاورد، تا به واسطه‌ی آن نسل آینده به درستی تربیت شوند و ارزش‌های اخلاقی در جامعه فراوانی یابد.

**منابع**

1.  *قرآن کریم*.

2.  مطهری، مرتضی، *جامعه و تاریخ*.

3.   *عُیون اخبارالرضا7*.

4.   *همایش بین‌المللی سیمای پیامبر اعظم*6 *و برنامه‌های درسی*، 1386، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

5.  *نهج‌البلاغه*.

1- از باب افتعال و ریشه‌ي (خ ب ر) به معنی آگاهی بخشیدن.

1- برای توضیح بیشتر، ر.ک: محمّد قطبی، «نقش برنامه‌های درسی در شکل‌دهی هویت»، در همایش بین‌المللی سیمای پیامبر اعظم 6و برنامه‌های درسی، 1386، وزارت آموزش و پرورش. در آن جا نویسنده، پانزده مؤلّفه از برنامه‌های آموزش رسمی را برشمرده است.

1- )وَمَن يُعَظِّم شَعائِرَالله فَإنَّها مِن تَقوَی القُلُوب(؛ [حج/ 32 ]؛ ترجمه: «هرکس شعاير الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه‌ي تقوای دل‌هاست».

1- مطهري، مرتضی، *جامعه و تاریخ*، ص224.

2- اعراف/ 185.

3- دخان/ 82 .

1- فصلت/ 53 .

2- یس/ 58 .

3- نحل/ 18.

1- )حُنَفاءَ لِلّهِ غَیرَ مُشرکینَ بِه([حج/31]؛ )وَما أُمِرُواإلّا لِیَعبُدُوااللهَ مُخلِصینَ لَهُ الدیِن حُنَفاءَ و... ( [بینّه/5 ].

1- خداوند قوم بنی اسراییل را پس از سرپیچی و انحراف با همین روش تأدیب کرد. ر.س: اعراف/141، بقره/ 50، طه/ 80.

2- از جمله: اعراف/ 54 ، یونس/ 6، زخرف/ 12 و...

3- از جمله: نحل/4، روم، 21، رحمن/ 14  و...

4- از جمله: نحل/ 3، نوح/ 15، فاطر/ 27  و...

5- از جمله: اعراف/ 185، ق/ 6، غاشیه/ 17 و ...

1- اشاره به این استدلال قرآنی: )لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا(.

1- مطهری، مرتضی، *جامعه و تاریخ*، ص 225.

1- *نهج البلاغه*، حکمت449.

1- *عُیون اخبارالرضا7*، ج2، ص275.

1- در سرتا سر قرآن کریم آیات متعدّدی آمده که اشاره به بهشت و عاقبت نیکوکاران و             جهنّم و عاقبت بدکاران  دارد از جمله: بقره/ 155، یونس/2، حج/34، آل‌عمران/ 12، رعد/ 18،  غافر/ 60 و....

پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم